

دفاع امام خلیل محمد از ازدواج میان مسلمانان و پیروان ادیان دیگر

(اشاره: در این دفاعیه، ازدواج یک زن مسلمان با یک مرد مسیحی به عنوان نمونه به کار رفته، اما اصول آن در مورد ازدواج با هر مرد نامسلمانی مصداق دارد.)

آیه ای که به صورت سنتی از سوی رهبران دینی مسلمان برای منع ازدواج زن مسلمان با مرد نامسلمان به آن استناد می شود، آیه 5 از سوره 5 قرآن است که می گوید: "امروز همه چیزهای ذاتا خوب بر شما حلال است... بر شما حلالند زنان پاکدامن از میان آنها که پیش از شما بر ایشان کتاب فرفرستاده شده..."

رهبران دینی سنتی استدلال می کنند که از آنجا که در این آیه، از زنان سخن رفته و نه از مردان، پس باید از آن چنین برداشت کرد که ازدواج زن مسلمان با مرد نامسلمان حرام است.

اما این تفسیر، اشکال دارد. زیرا قرآن، به دلیل سنت آن روزگار، مردان را مخاطب قرار داده است. به همین دلیل است که مثلاً قرآن می گوید: "هنگامی که زنانتان را طلاق می دهید..." (آیه 231 از سوره 2) یا "در شبهای ماه رمضان می توانید با زنانتان نزدیکی کنید..." (آیه 187 از سوره 2) مراد من از سنت روزگار چیست؟ در مفهوم قبیله ای، زن پس از ازدواج، همسرش را به عنوان سرور خویش می پذیرفت. مرد نیز به نوبه خود، دین سرکرده قبیله اش را می پذیرفت.

با توجه به این واقعیت، مجموعه بزرگی از مسایل برای علمای مسلمان پدید آمد - مسایلی که آنان را واداشت ازدواج زنان با مردان نامسلمان را منع کنند. یک مسئله این بود که در حالی که مسلمانان برای پیامبران نامسلمان احترام قائلند، پیروان دو دین توحیدی دیگر، محمد پیامبر اسلام را گرامی نمی دارند، و این موضوع می توانست زنان مسلمان را در این وضعیت دهشتناک قرار دهد که پیامبرش مورد بی احترامی قرار گیرد. مسئله دیگر آن بود که بیشتر مسیحیان، عیسی را خدا می دانند، و برای یک مسلمان غیرقابل تصور است که به یک انسان، نسبت خدایی دهد. بعد هم، مسئله فرزندان حاصل از چنان ازدواجی پیش می آمد که، بنا به فرض، باید با دین پدرشان پرورده می شدند.

اما به یاد داشته باشید که در تمامی این "مسائل"، فرض بر این است که زن، باید به دین شوهر نامسلمان خود بگردد، و در مورد رابطه شما، آشکارا چنین نیست. شما در زمان و مکان دیگری زندگی می کنید.

مطمئناً بیشتر مسلمانان استدلال خواهند کرد که گفته های قرآن در تمامی زمانها و مکانها صادق است. اگر این منطق را بپذیریم، باید اذعان کنیم که قرآن، با اینهمه، به آرزوی شما برای ازدواج با یک مرد مسیحی،

گرایش مثبت نشان می دهد. حتی با آن که این مرد مسیحی است، قرآن از این بابت او را نکوهش نمی کند. زیرا قرآن، نص اصلی اسلام، با آن که می گوید مسیحیانی هستند که برای عیسی مقام خدایی قائلند، اما این کار را "کفر" می خواند، نه "شرک". این تمایز چشمگیر است، زیرا در آیه ای دیگر، قرآن همچنین می گوید مسیحیانی که کار نیک کنند، حق رفتن به بهشت را دارند. باورهای عقیدتی مسیحی، برای پیروان زن و مرد این دین یکسان است، پس چگونه ممکن است قرآن ازدواج با زن مسیحی را جایز بشمارد، و با مرد مسیحی را نه؟

شواهد نشان می دهد که مشکل اصلی، همان مسئله ای است که در بالا بر آن تاکید نهادم – این که دین شوهر چیرگی یابد (همچنانکه کتاب روت در تورات نیز بدان گواهی می دهد). در زمانه ما، از آنجا که اسلام قرآنی (بر خلاف اسلام شارعان مذکر) باید بر این مفهوم بنیادی اذعان کند که زنان با مردان برابرند، که زنان از حقوق قانونی برخوردارند، و که این حقوق، شامل وضع کردن شرایط برای ازدواج می شود (آنچه که شما و من، "توافق پیش از نکاح" می خوانیم)، بنابراین ازدواج میان پیروان دو دین مختلف می تواند انجام پذیرد، با این شرط که هیچیک از دو همسر، به زور به دین همسر دیگر در نیاید. تا زمانی که این شرط محترم شمرده شود، شما و همسرتان از دعای خیر من برخوردارید.

در مورد مسئله فرزندان، مطمئناً تا اندازه ای سردرگمی دینی پدید خواهد آمد. اما به عنوان یک عالم مسلمان، می توانم به شما بگویم که قرآن، بهره گیری از دل و خرد را برای گزینش اندیشه ها، امر می کند. اگر هر دو همسر به تفسیرهای خویش از خواست پروردگار مومن باشند، آنگاه فرزندان پس از آن که به سن رشد رسیدند، تصمیمهای آگاهانه خواهند گرفت.

شادمان خواهم شد در صورت داشتن فرصت، در جشن ازدواج شما حضور یابم. می توانید به نشانی زیر با من تماس بگیرید:

www.forpeoplewhothink.org

دکتر خلیل محمد در دانشگاه محمد بن سعود ریاض (سنی) و دانشگاه زینبیه دمشق (شیعی) فارغ تحصیل کرده و دکترای خود را در حقوق اسلامی از دانشگاه مک گیل کانادا گرفته است.